

رویکرد علمی به قرآن، ضرورتها و چالش‌ها

مجله قرآن و علم / شماره اول / زمستان ۱۳۸۶ □ ۱۷

دکتر علی نصیری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲. افراط‌گرایی در رویکرد علمی به قرآن؛
باز کاوی شده است.^۱

کلید واژه‌ها: قرآن، علم، اعجاز
علمی، رویکرد علمی.

مقدمه

قرآن به تدبر در سه کتاب (۱. قرآن؛
محمد/۲۴) ۲. کتاب طبیعت؛ (ذاریات/
۲۰) ۳. کتاب نفس آدمی (ذاریات / ۲۱)
تأکید کرده است.

طبیعت و نفس را می‌توان کتاب
تکوین و قرآن را کتاب تشریح نامید.
مهم‌ترین آرمان قرآن از دعوت به

چکیده

در این مقاله «رویکرد علمی به قرآن»
از سه زاویه بررسی شده است. نخست
با بر شمردن ادله مختلف، ضرورت این
رویکرد بازشناسانده شده است.

از زاویه دوم ادوار روی آوردن
مسلمانان به تفسیر علمی در پنج دوره
(۱. عصر نزول، ۲. عصر ترجمه، ۳. عصر
تمهیق مطالعات تفسیری، ۴. دوران
رنسانس ۵. دوران معاصر) به صورت
گذرا مورد بررسی قرار گرفته است.

از زاویه سوم به آسیبها و چالشهای
این رویکرد توجه شده و دو آسیب
(۱. رویکرد تفریطی به آیات علمی

۱- ایمیل نویسنده:

نگریستن و تدبر در این سه کتاب بازشناخت عظمت، ربوبیت و رحمت الهی است. این آیات نشان می‌دهند که قرآن، هستی و وجود انسان تجلی اسماء جمال و جلال حقانند و خداوند از رهگذر این کتابها خود را شناسانده است. با پذیرش چنین حقیقتی، رهیافت آموزه‌ها و گزاره‌های علمی به معنای عام کلمه در قرآن (آیات العلوم) انکارناپذیر است که البته بررسی همه‌جانبه را می‌طلبد.

طنطاوی می‌گوید:

«در قرآن بیش از ۷۵۰ آیه در مورد علوم مختلف هست؛ در حالی که آیات فقهی قرآن که در آنها به صراحت به مباحث فقهی پرداخته شده، بیشتر از ۱۵۰ آیه نیست» (طنطاوی، الجواهر فی

تفسیر القرآن / ۳).

باری، از نظر طنطاوی در قرآن حدود ۱۵۰ آیه صریح در زمینه احکام و فقه آمده و با این حال بیش از هزار سال است که افزون بر اهتمام عموم مفسران در تفاسیر ترتیبی به این آیات، تفاسیر و آثار ویژه‌ای برای بازکاوی و بازشناسی آنها نگاشته شده است. از سویی دیگر در قرآن بیش از ۷۵۰ آیه در زمینه علم و

آموزه‌های علمی انعکاس یافته، اما با کمال شگفتی کمترین اهمیتی در این زمینه دیده نمی‌شود.

باری، این حقیقتی است تلخ و در عین حال هشداردهنده، که ما را به روی‌آوری علمی مبتنی بر مبانی و قواعد متقن برای فهم و تفسیر آیات علمی خداوند فرا می‌خواند.

مقصود از علم، علوم تجربی به معنای عام در برابر علوم متافیزیکی است که خود به دو شاخه تقسیم می‌شود: ۱. علوم طبیعی، شامل: فیزیک، کیهان‌شناسی، پزشکی و ... ۲. علوم انسانی، شامل: روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و ...

ضرورت رویکرد علمی به قرآن

رویکرد علمی به قرآن به معنای استخراج آیات علمی، بازکاوی چند و چون دلالت‌رسانی آنها، همسانی یا عدم همسانی آیات با دستاوردهای علمی، از چهار جهت ضرورت داشته و امروزه از اهمیت بسیار برخوردار است. این جهات عبارتند از:

۱. ضرورت بازشناسی مدل‌های آیات علمی

در این که قرآن مستقیم یا اشاری یا به تعبیر برخی از صاحب‌نظران گذرا (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۶ / ۶) از گزاره‌ها و مباحث علمی سخن به میان آورده، تردید نمی‌توان روا داشت. قرآن آنجا که نعمتهای خدا یا آیات الهی را برای پند دادن به آدمیان و تقویت باورهای فرافیزیکی آنان بر می‌شمرد، شماری از آموزه‌ها در زمینه آفرینش آسمانها و زمین، دگرگونیهای کیهانی، گردش سیارات و ستاره‌ها، جاذبه، اسرار کوهها و دریاها، حیات جانوری و چگونگی آفرینش انسان و ... را بر شمرده است. افزون بر این، قرآن در سایر حوزه‌های علوم چون طب، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و ... آموزه‌های بسیار کارآمدی ارائه کرده است. از این رو هر مفسری که به سراغ این آیات می‌آید، باید از زاویه علمی به آنها بنگرد و با استفاده از مبانی و دستاوردهای قابل اعتماد علمی، مدل‌های این دسته از آیات را بازشناساند.

روش تفسیر علمی به خاطر اهتمام کم و بیش مفسران به این امر شکل

گرفت و در میان مناهج و مکاتب تفسیری به رسمیت شناخته شد. (نک: عمید زنجانی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۲)).

آیا در روزگار ما که علوم خود را محق به اظهار رأی در گستره بی‌حد و مرز هستی‌شناسی و انسان‌شناسی می‌داند، می‌توان از کنار آیات علمی بدون اهتمام به این کاوشها و دستاوردها گذشت؟! و به عنوان مثال هیچ مفسری می‌تواند از کنار آیه «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» (نحل / ۱۵) و آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد / ۲) بدون اشاره به حرکت وضعی و انتقالی زمین به دور خود و خورشید، نقش کوهها در آرامش بخشی به این حرکت، و قانون جاذبه که در کنار قانون‌گریز از مرکز به ثبات کرات آسمانها انجامیده است، عبور کند یا بدون توجه به دستاوردهای علمی در حوزه روانشناسی از کنار آیاتی که از نشاط یا افسردگی روحی، اضطراب یا آرامش روانی و ... سخن به میان آورده (رک: نجاتی، قرآن و روانشناسی) بگذرد؟

امروزه آگاهی پیشین یا پسین از دستاوردهای علمی را نیز باید جزو لوازم تفسیری برشمرد؛ نه به این معنا که هر مفسری باید ریاضی‌دان، فیزیکدان، شیمیدان، روانشناس، جامعه‌شناس و... باشد؛ چنان که مدافعان نظریه "قبض و بسط تئوریک شریعت" (ر.ک: سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت) بر آن پای فشرده‌اند؛ بلکه به این معنا که لازم است هنگام برخورد با آیات علمی، دستاوردهای علمی در آن عرصه مورد بررسی قرار گیرد تا مدلولهای آیات علمی روشن‌تر از هر زمان دیگر تبیین گردد.

این‌که مفسر چگونه باید از این آموزه‌ها در تبیین آیات بهره جوید، پرسشی است بس مهم که در ادامه نوشتار به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲. اثبات اعجاز قرآن به خاطر پیشگامی در آموزه‌های علمی

اعجاز از ریشه عجز به معنای ناتوان سازی یا ناتوان انگاری است. (ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ۱۹ / ۵۸). مبنای اعجاز که رسالت پیامبران براساس آن اثبات می‌شود، این است که کار ارایه شده از سوی پیامبران از توان دیگران

خارج است. ظاهر مفهوم و کارکرد اعجاز این است که ناتوانی دیگران از ارائه معجزه، ناتوانی مطلق است. چنان‌که بشر هیچگاه نخواهد توانست عصا را به اژدها تبدیل کند، از صخره، شتر ماده بیرون کشد، کور مادرزاد را شفا دهد، یا مرده را زنده کند. با این حال ادعای مدعیان اعجاز علمی این است که قرآن در عصر نزول، از اسراری در حیات طبیعی، حیات جانوری و حیات انسانی پرده برداشت که آن روز و تا گذشت قرن‌ها برای بشر ناشناخته بود و امروزه برای انسان‌ها شناخته شده است. این امر نشان از آن دارد که آورنده این کتاب آسمانی که درس نیز نخوانده بود، تنها از رهگذر اتصال به علم ازلی الهی، از این اسرار پرده برداشته است.

با صرف نظر از میزان سازگاری این تحلیل از اعجاز علمی با ساختار مفهومی اعجاز و معجزه، باید پذیرفت که چنین رویکردی برای مسلمانان و دیگران بسیار مفید است، زیرا هدف نهایی نزول قرآن هدایت و تربیت انسانها است و این هدف در مرحله نخست زمانی تحقق‌پذیر است که فرا زمینی بودن کتاب و نزول آن از سوی خدا اثبات گردد.

از سوی دیگر امروزه اعجاز علمی از همه وجوه اعجاز جذّاب تر و تأثیرگذارتر است، زیرا دستاوردهای عصر تکنولوژی و ارتباطات ذهن انسان امروزی را از هر سو محاصره کرده است و در چنین فضایی وقتی اعلام می‌شود کتابی بس کهن در دست مردم است که پانزده سده پیشگام تر از بشر، پرده از بسیاری از اسرار برداشته، بر آنان تأثیر می‌گذارد.

۳. اثبات آسمانی بودن قرآن در برابر دیگر کتابهای آسمانی مورد ادعا

بررسی آیات علمی قرآن و ثمره آن یعنی اعجاز علمی باعث مقایسه تطبیقی میان قرآن و تورات و انجیل می‌شود و حقانیت و آسمانی بودن این کتاب را در برابر کتب آسمانی مورد ادعای دیگر به اثبات می‌رساند.

ارنست رنان می‌گوید:

«اکنون با توجه به مطالعه دقیقی که در کتاب مقدس انجام داده‌ام، در عین حال که گنجینه‌هایی تاریخی و زیباشناختی بر من نمایان شد، این نکته نیز برای من اثبات شد که این کتاب همچون دیگر کتب قدیمی از تناقضات، اشتباهات و خطاها مستثنا نیست. در این

کتاب داستان‌های دروغین، افسانه‌ها و آثاری که کاملاً نگارش یافته انسان است، وجود دارد» (ساجدی، تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس، ص ۲۹۸).

پل تیلیش معتقد است:

«پژوهش‌های تاریخی نشان داده‌اند که عهد قدیم و عهد جدید در بخش‌های نقلی خود، عناصر تاریخی، افسانه‌ای و اسطوره شناختی را تلفیق می‌کنند، و در اکثر موارد تفکیک این عناصر با هر درجه‌ای از امکان پذیری نامحتمل است ... به طور قطع این حکایت‌ها مستند نیستند» (همان، ۱۰۳).

متکلمان نوارتدکس (الهیات رسمی - سستی جدید) پروتستان معتقدند کتاب مقدس به خودی خود وحی الهی نبوده، و یک مکتوب خطا پذیر انسانی است که به وقایع و حیاتی شهادت می‌دهد.

بوکای در باره جایگاه کتاب مقدس چنین آورده است:

«ارائه دستکاری‌های کتابت‌های اولیه بر اساس روایات شفاهی و قلب متون به هنگام انتقال به ما، وجود عبارت‌های تاریک، نامفهوم، متناقض و دور از حقیقت که گاهی تا خلاف عقل هم

پیش می‌رود یا ناسازگاری با واقعیت‌هایی که امروزه بوسیله پیشرفت دانش به ثبوت رسیده‌اند، خیلی کمتر شگفتی‌مان را بر می‌انگیزد. چنین ملاحظاتی نشانه‌ی شرکت انسان در تحریر و سپس در تغییر بعدی متون است» (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۷۰ - ۷۱).

او در جایی دیگر آورده است: «نتیجه‌ای که از بررسی اجمالی و انتقادی متون مقدس گرفته می‌شود، آگاهی از ادبیات گسیخته فاقد طرح و پیوستگی است که تناقض‌های آن زایل ناشدنی است. این عبارت را شارحان ترجمه جهانی عهدین در اظهار نظر خود بکار برده‌اند (همان، ص ۱۰۳).

بوکای در کتاب خود مواردی از تناقض کتاب مقدس با دستاوردهای علمی و تاریخی را بر شمرده است. البته باید دانست، لزوماً عقاید نقل شده از برخی متکلمان مسیحی نظیر پل تیلیش به معنای بی‌اعتباری مطلق کتاب مقدس نیست، بلکه می‌تواند ادعای وحیانی بودن متن آن را مورد نقد قرار دهد.

این در حالی است که خاورشناسان به خطاناپذیری قرآن در عرصه علوم

اذعان کرده‌اند. راترد ویلانت در مقاله «تفسیر قرآن در دوره جدید» در باره نگاه قرآن به علم چنین آورده است:

«تفسیر علمی باید در پرتو این فرض درک شود که تمام انواع یافته‌های علوم طبیعی جدید در قرآن پیش بینی شده است و اینکه قراین و شواهد روشن فراوانی نسبت به آنها در آیات قرآن می‌توان کشف نمود. یافته‌های علمی از کیهان شناسی کپرنیکی گرفته تا خواص الکتریسته و از نظم و ترتیب انفعالات شیمیایی تا عوامل عفونتی همه از پیش در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است» (دائرة المعارف لایدن، مقاله تفسیر قرآن در دوران معاصر، راترد ویلات).

۴ تقویت اعتماد به نفس مسلمانان

در عین آنکه خداوند هرگونه برتری‌جویی کاذبانه شخص یا امتی را ناپسند می‌شمرد، به خاطر برخورداری مسلمانان از دین و آئین مطابق با حق، جامع و متناسب با همه نیازهای اجتماعی و جهانی، از آنان به عنوان امت وسط و برتر و شاهد بر سایر امتها یاد کرده و آنان را از هرگونه اقدام و منشی که به خواری‌شان منتهی شود، بازداشته است و در اعلامی رسمی و معنادار

هرگونه برتری کافران بر مسلمانان را نامشروع و مخالف اراده الهی دانسته است (نساء / ۱۴۱).

به رغم این واقعیتها و به رغم آنکه این سیادت حقیقی و به دور از تفوق طلبی کاذب و غیراخلاقی تا هفت سده از آن مسلمانان بود، اما عواملی از درون و برون کار را بدانجا رساند که امروزه سیادت اقتصادی، سیاسی و نظامی از آن غیرمسلمانان است. باری، از سده هفتم به بعد دیگر کسی از پیشرفتهای مسلمانان سخن نرانده است و این برای بسیاری از اسلام‌باوران به ویژه نسل جوان که خود را با اصل عزت‌مداری اسلام و واقعیتهای تلخ موجود روبه‌رو می‌بینند، بسیار تلخ می‌نماید و چه بسا ممکن است سرخوردگی یا بریدن از باورهای اسلامی و دل باختگی به غرب و اندیشه‌های غیراسلامی را همراه آورد؛ چنان‌که این پدیده کم و بیش در میان کشورهای اسلامی و از جمله ایران مشهود است.

رویکرد علمی به قرآن، استخراج آیات در عرصه‌های مختلف علوم تجربی و انسانی، بازکاوی و به دست

دادن مدلولهای آنها که در عین هم صدایی با علم، از قرن‌ها پیشگامی اسلام و قرآن در این عرصه‌ها نسبت به علم و دستاوردهای علمی حکایت دارد، می‌تواند غرور مسلمانان را احیا و اعتماد به نفس آنان را زنده سازد.

به همین خاطر نهضت اصلاح دینی که از سوی چهره‌های مصلح و بنامی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، (۱۳۱۵ ق) محمدعبده، (۱۹۰۵ م) رشیدرضا، (۱۹۳۵ م) سر سیداحمدخان هندی، (۱۸۹۸م) کواکبی، (۱۸۹۸ م) طنطاوی (۱۸۶۲ م) (ر.ک. به: عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب؛ عبد القادر محمد صالح، التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث). و در ایران از سوی مهدی بازرگان، سبحانی، شریعتی، طالقانی و شیخ حسین نوری، ناصر مکارم (ر.ک. به: کاظمی، جامعه شناسی روشنفکری در ایران؛ زرشناس، نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران). و... دنبال شد، با رویکرد علمی به قرآن و سنت همراه بوده است. هر چند ممکن است این حرکت با خطا و لغزشهایی همراه شده باشد.

اساساً شروع اهتمام به اعجاز علمی در میان مسلمانان همین انگیزه بود که روح عزت، استقلال و خود باوری در میان آنان زنده گردد. سر سید احمد خان هندی (۱۸۱۷ - ۱۸۹۸ م) در هندوستان با تأکید بر اعجاز علمی قرآن، مسلمانان را به علم آموزی و مبارزه منفی با استعمار انگلستان فرا خوانده و بدین منظور در «علیگره» کالجی تأسیس کرد که امروزه از مراکز علمی مهم هند به شمار می‌رود. گرچه وی با توجه علمی معجزات و حمل جن به افراد بدوی جنگل نشین و شیطان به میکروب در عمل دچار افراط شد. سید امیر علی (۱۳۴۷ - ۱۲۶۵ ق) نیز از پیشگامان چنین تفکری است. در مصر نیز سید جمال الدین اسد آبادی، محمد عبده و شاگرد او رشید رضا در تفسیر المنار، کواکبی در طبایع الاستبداد، اسکندرانی در کتاب «کشف الاسرار الثورانیة القرآنیة فی ما يتعلق بالاجرام السماویة و الحيوانات و النبات و الجواهر المعدنیة» و طنطاوی در «الجواهر فی تفسیر القرآن» را باید از پرچمداران نهضت علمی، بیداری و اصلاحگری بر شمرد

که با تأکید بر اهتمام قرآن به علوم، مسلمانان را به بیداری دعوت می‌کردند. در ایران آیت‌الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن، آیت‌الله مکارم در تفسیر نمونه، مهدی بازرگان در «راه طی شده»، «باد و باران در قرآن» و «مطهرات در اسلام»، محمد تقی شریعتی در «تفسیر نوین»، شهید پاک نژاد در «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» در ۳۴ جلد چنین آرمانی را دنبال کردند. (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن؛ رفیعی محمدی، تفسیر علمی قرآن)

۵. مقابله با تلاش‌های ملحدانه در برخورد با آیات علمی قرآن

گرچه دین‌ستیزی آن‌گونه که پس از دوران رنسانس با شدت رخ نمود، در روزگار ما وجود ندارد و آنچه به چشم می‌خورد بیشتر اقبال به دین است، با این حال نباید از این نکته غافل بود که با صرف نظر از شماری ملحد که همواره در اندیشه تخریب باورهای دینی‌اند، شماری از اندیش‌وران یا مدعیان اندیشه‌ورزی در میان سایر ادیان جهان بویژه با حمایت نهادهای یهودی و صهیونیستی ساعتی از تخریب باورهای

اسلامی و تضعیف آموزه‌های قرآنی
غافل نبوده‌اند و نیستند.

از جمله عرصه‌های مورد توجه این
دست از محافل الحادی آیات علمی
است که با تفسیر نادرست و مغرضانه و
ادعای اثبات تناقض قرآن با دستاوردهای
قطعی علم، در پی فریب جهانیان
برآمده‌اند. به عنوان نمونه ادعا می‌کنند
که قرآن در آیات متعدد ماه را منشأ نور
و ستاره معرفی کرده است. (نظیر آیه
«وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ
سِرَاجًا» (نوح / ۱۶). به‌رغم چنین ادعایی
از ظاهر آیه کاملاً پیداست که میان
خورشید و ماه تفاوت است؛ زیرا از
خورشید به‌عنوان چراغ یاد کرده که خود
حامل نور است، در برابر ماه را صرفاً
نور دانسته است) است.

قرآن آگاهی از جنین انسانی را جزو
امور غیب برشمرده که تنها خدا از آن
آگاه است، در حالی که تکنولوژی امروز
انسان را از جزئیات خلقت جنین و
دختر یا پسر بودن آن باخبر ساخته
است. «ان الله ...» (لقمان / ۳۴) حضرت
امیر در نهج البلاغه مقصود از علم الهی
به رسم ما را فراتر از ویژگی‌های
جسمی و حتی سعادت و شقاوت

انسان‌ها دانسته است. (ر.ک: سید رضی،
نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸)

نیز در قرآن مرکز نطفه زن، سینه او
دانسته شده «خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ
بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (طارق / ۶ - ۷). در
حالی که علم مرکز نطفه‌سازی زن را
استخوان‌های زیر لگن بازشناخته است.
(ر.ک. به: معرفت التمهید فی علوم القرآن،
۶۲/۶ - ۶۷؛ همو شبهات وردود)

چنین رویکرد خطرناک الحادی حتی
برای کسانی که مصرانه بر نفی اهتمام
قرآن به آموزه‌های علمی پای می‌فشارند،
رویکرد علمی به قرآن برای تفسیر
صحیح این دست از آیات و پاسخ و دفع
شبهات مغرضانه را بیش از هر زمان
دیگر ضروری می‌سازد.

چالشها و آسیبهای رویکرد علمی به قرآن

رویکرد علمی به قرآن بسان بسیاری
دیگر از رویکردها و گرایشهای تفسیری،
دچار چالش و آسیب شده است که، دو
دسته از آنها را بررسی می‌کنیم.

۱. تفریط و انکار آموزه‌های علمی در قرآن

برخی از صاحب‌نظران رویکرد
علمی در قرآن را از اساس منکر شده و

معتقدند قرآن به هیچ روی به آموزه‌های علمی نپرداخته یا اگر پرداخته است، ما حق تطبیق آیات با دستاورد های مسلم علمی را نداریم. بنابراین سخن از اعجاز علمی یا روش تفسیر علمی در قرآن نادرست است.

در کتاب پیام قرآن چنین آمده است :

«دسته دوم کسانی هستند که راه تفریط را پیموده اند و معتقداند در هیچ مورد حتی در مسلمات علمی هر چند با تعبیرات صریح قرآن هماهنگ باشد، نباید چنین تطبیقی صورت گیرد» (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۸/ ۱۴۴).

این نگاه می‌تواند از دو نگرش دیگر درباره قرآن ناشی شده باشد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف: نظریه بلاقالب فرهنگ زمانه در قرآن و انکار آموزه‌های علمی در قرآن

از نظر برخی اندیش‌وران، قرآن یک متن تاریخی است که بنا به مقتضیات عصر نزول و تناسب نیازها، توانمندیها و سطح اندیشه و افکار آن دوران با مردم سخن گفته است. چنان‌که مقتضای بلاغت در گفتار - رعایت مقتضای حال - همین نکته است. و چون این دست از

آموزه‌ها برای مردم روزگار بعثت ناشناخته بود، نمی‌توان پذیرفت که قرآن درباره مسایل علمی سخن گفته باشد و آنچه از آیات در این زمینه آمده، به تناسب اندیشه‌های همان عصر نزول است.

به عنوان مثال چون مخاطبان عصر نزول به خاطر بی‌خبری از بسیاری از دستاوردهای علمی و دیدن گردش ظاهری خورشید به دور زمین گمان می‌کردند خورشید به دور زمین می‌چرخد، قرآن نیز به خاطر اقتناع آنان و استدلال از طریق همین نشانه الهی برای اثبات قدرت و مدیریت خداوند، از گردش خورشید به دور زمین سخن به میان آورده است.

نیز چون عرب معاصر نزول گمان داشت مرکز تفکر قلب صنوبری است که در ورای قفسه چپ سینه قرار گرفته است، قرآن همان قلب را مرکز تفکر اعلام کرد.

یا چون تفکر حاکم بر محافل علمی عصر نزول نظریه بطلمیوس بود، تصویری که خدا از کرات آسمانی ساخت، به صورت پوست پیازی است که هر یک از کرات دیگری انباشته شده است.

این دیدگاه که از آن به «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن» یاد می‌شود، در جهان عرب مدافعانی همچون امین الخولی (مناهج التجديد فی النحو البلاغة و التفسیر و الادب، ص ۲۹۳ - ۲۹۲) و ابوزید در مفهوم النص و در ایران همچون عبدالکریم سروش و بهاءالدین خرمشاهی (بینات، ش ۵) دارد.

نقد و تحلیل

لازمه چنین تفکری انکار رهیافت گزاره های علمی در قرآن است. ما در نقد این دیدگاه به سه نکته اشاره می‌کنیم.

۱. گرچه به مقتضای بلاغت در گفتار، قرآن می‌بایست سطح و اقتضائات مخاطبان نزول را در نظر بگیرد، اما باید توجه داشت که قرآن صرفاً برای مخاطبان عصر نزول نازل نشده است و به اذعان شمار زیادی از آیات، این کتاب تمام جهانیان در تمام زمانها را مورد خطاب قرار داده است. آیا می‌توان از کنار آیاتی نظیر «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام / ۱۹)؛ و «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (یوسف / ۴)؛ و «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/ ۱۰۷) به سادگی گذشت و مخاطبان قرآن را

تنها اعراب عصر نزول دانست؟! اگر جهانیان در روزگار ما بسان عرب معاصر نزول، مخاطب قرآن می‌باشند، آیا نباید قرآن به تناسب مقتضیات روزگار، با مردم سخن گوید و اسرار هستی را بازشناساند؟!

از سوی دیگر آیا مخاطبان عصر نزول قرآن تنها شماری از اعراب یا بادیه‌نشینان بودند که از اسرار هستی اطلاعی نداشتند؟ آیا در میان این مخاطبان بزرگانی از صحابه پیامبر (ص) همچون حضرت امیر المؤمنین (ع)، سلمان، ابوذر، مقداد، حذیفه، ابن مسعود و ... وجود نداشتند که با رهنمونی رسول اکرم (ص) می‌توانستند از بسیاری از اسرار هستی آگاهی یابند؟!

۲. مدعای نزول قرآن، هماهنگ با مقتضیات عصر نزول و بدور از حقایق علمی امروزی، به این معناست که گزاره‌ها و آموزه‌های غیر واقعی، موهوم و باطل در قرآن راه یافته است و این مدعا با صراحت در آیاتی نظیر و «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت / ۲۴) و «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ؛ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ» (طارق / ۱۳ و ۱۴) مورد انکار قرار گرفته است.

۳. مواردی که به عنوان شواهد دالّ بر بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن ادعا شده، هیچ یک بر ادعای طرفداران این نظریه دلالت نداشته و چنان که در تفاسیر مختلف مورد بحث قرار گرفته، از هر جهت با آموزهای امروز علمی سازگار است. به عنوان مثال کرات آسمانی مورد نظر قرآن به هیچ وجه منطبق با هیات بطلیموس نبوده و این خطای علمی از سوی برخی مفسران پدید آمده که این آیات را بر هیات بطلیموس حمل کرده‌اند. شاهد مدعا آن که امروزه هر مفسری بر این نکته پای می‌فشارد که نظام کیهانی تصویر شده در قرآن با دستاوردهای قطعی علم سازگار است.

اگر آیات قرآن چنان بود که تنها بر هیات بطلیموس حمل می‌شد، چگونه تطبیق آن با نظریات امروزی امکان داشت؟! نیز چون میان روان آدمی به عنوان هویت اصلی و حقیقی انسان و مرکز تفکر و اندیشه و قلب صنوبری ارتباط مستقیم برقرار است، به این معنا که روح از قلب صنوبری به عنوان مرکز احساسات، عواطف، ایمان و باورهای دینی بهره می‌جوید، قرآن از قلب صنوبری به عنوان مرکز ادراکات و باورها یاد کرده است (طباطبایی، المیزان، ۳۸۰/۱۴).

ب: احتیاط غیرمستعارف در برخورد با آیات علمی قرآن

برخورد غیرفنی شماری از مفسران در رویکرد علمی به قرآن و افراط در حمل آیات بر دستاوردهای غیرقطعی علمی و تا حدودی لجام گسیختگی در این زمینه، باعث شد در واکنشی متقابل، شماری دیگر از مفسران و صاحب‌نظران از اساس منکر اعجاز علمی یا رویکرد علمی و انعکاس پاره‌ای از این دست آموزه‌ها در قرآن شوند یا چنان از شمار آیات علمی بکاهند که در عمل به معنای انکار آنهاست.

از نظر آنان رویکرد علمی به قرآن گرچه در کوتاه‌مدت با ایجاد موج علمی و تحریک احساسات مسلمانان، زمینه رشد آنان و تقویب باور دیگر ملل و ادیان به قرآن را فراهم می‌سازد، اما چون از مبانی و قواعد متقن نظیر استناد به دستاوردهای قطعی علم استفاده نمی‌شود، با فروپاشی یک نظریه علمی و بی‌اعتبار شدن تفسیری که از این دست آیات ارائه شده، زمینه تضعیف جایگاه قرآن فراهم می‌گردد. پس بهتر است از آغاز چنین رویکردی انکار شود.

رویکرد علمی به قرآن از جهات دیگر نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. به

عنوان مثال مخالفان رویکرد علمی به قرآن می‌گویند در روش تفسیر علمی، قرآن فرع و امر الحاقی قلمداد شده و به عنوان اصل و مبنا مورد نظر قرار نمی‌گیرد. گویا به بهانه آیات و بی آن که تفسیر آیات مطمح نظر قرار گیرند، بسیاری از آموزه‌های علمی انعکاس می‌یابد. نظیر آنچه در تفسیر الجواهر اتفاق افتاده است. یا آن که می‌گویند از آنجا که پایه‌های علوم تجربی سست و پیوسته در حال تغییر و تحول است، نمی‌توان گفتار ثابت و تغییرناشدنی الهی را با آموزه‌های سیال و در حال تغییر گره زد. (حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ۷/ ۶۵۷).

در کتاب پیام قرآن آمده است:

«دسته دوم کسانی هستند که راه تفریط را پیموده اند و معتقداند در هیچ مورد حتی در مسلمات علمی هر چند با تعبیرات صریح قرآن هماهنگ باشد، نباید چنین تعلیقی صورت گیرد.» (مکارم شیرازی، همان، ۸/ ۱۴۴)

نقد و تحلیل

در اینکه پاره‌ای از مفسران با انگیزه‌های مثبت در برخورد با آیات

علمی دچار افراط شده و بر اساس مبانی و قواعد متقن در این راه گام نهاده و آسیب‌هایی به قرآن زده‌اند، نباید تردید داشت، اما از سوی دیگر نباید از دو نکته غافل بمانیم.

۱. وجود آیات و گزاره‌های علمی در قرآن انکارناپذیر است و کنار گذاشتن آنها افزون بر آنکه به معنای بی‌اعتنایی به مفاهیم و مدلولهای آیات علمی است، زمینه را برای برخورد ملحدانه و غرض ورزانه مخالفان قرآن هموار خواهد ساخت. به تعبیر امیرمؤمنان (ع) «من نام لم ینم عنه» (نهج البلاغه، نامه ۶۲) چنان نیست که اگر کسی چشم از حقیقت فرو پوشد، دیگران نیز چشم خود را فرو پوشانند.

۲. انحراف و کژروی، در هر زمینه محتمل و تاحدودی طبیعی است. آیا قرآن خود اذعان نکرده است کسانی که در دل‌هایشان میل به کژی است با تأویل آیات متشابه به دنبال فتنه‌گری‌اند؟! آیا با چنین فرض واقع‌بینانه‌ای می‌توان مدعی شد در قرآن آیات متشابه راه نیافته است یا ناچاریم در برخورد با آیات متشابه و جلوگیری از تأویل‌های ناروا، مبانی و قواعد علمی متقنی را بنیان نهمیم؟

در محل بحث نیز انکار راهیافت گزاره‌ها و آموزه‌های علمی در قرآن غیرعملی و غیرواقع بینانه است و در برابر رویکردهای افراطی و بی‌مبنا به این عرصه، باید مبانی و چارچوبهای مشخص و روشنی را ارایه کرد.

۲. افراط در برخورد با آیات علمی قرآن

مهم‌ترین عامل پیدایش و گسترش رویکرد علمی در تفسیر، پس از دوران رنسانس و در واکنش به تهاجم فرهنگ غرب به جهان اسلام بود که در عمل سروری غربیان بر مسلمانان را همراه داشت. شماری از اندیش‌وران مسلمان از سر خیرخواهی برای رویارویی با این پدیده با شتاب سراغ میراث دینی - کتاب و سنت - آمدند و برای نشان دادن پیشگامی مسلمانان آیات و روایات علمی را استخراج و بازکاوی کردند.

پیداست که این اقدام با نوعی شتابزدگی همراه شد و اشتباهات و لغزشهای علمی را همراه آورد. از مفسرانی که در این عرصه بیش از دیگران اهتمام به خرج دادند، طنطاوی است که تفسیر «الجواهر» را با رویکرد علمی فراهم آورد. این تفسیر افزون بر مباحث محتوایی، چنان با انواع تصاویر

از کهکشانها، ستاره‌ها، سیارات، حیوانات، گیاهان، و ... آراسته شده که در نگاه آغازین بیشتر به یک کتاب علمی می‌ماند تا یک تفسیر.

اوج نگرانی طنطاوی از غفلت مسلمانان از علم و مباحث علمی که زمینه‌ساز سلطه فرهنگی بیگانگان شد، از همان صفحات آغازین تفسیر و مقدمه او روشن است. وی معتقد است تمام ذلت و حقارت مسلمانان در دوری آنان از علم است. (طنطاوی، الجواهر، ۱/ ۳۵) او در جایی از تفسیر خود درباره میزان اهتمام قرآن به گزاره‌های علمی آورده است:

«علوم طبیعی همان علم توحید، همان علم دین، همان رسیدن به خداوند، پیش رفت ملت‌ها و دوستی خداوند، خشیت از او، ترقی ملت‌ها در دنیا، برتری آنان در آخرت، رسیدن به لقاءالله، رسیدن به مقام وجه‌اللّهی است و نیل به تمام این امور بدون علوم طبیعی امکان‌پذیر نیست» (همان، ۱۷/ ۱۷).

با چنین نگاه افراطی به علم، تفسیر او پر از مباحث علمی است، به گونه‌ای که محمدحسین ذهبی، تفسیر او را دایرةالمعارف علمی می‌داند که در آن

درباره هر علم و فنی سخن به میان آمده و معتقد است در آن همه چیز جز تفسیر انعکاس یافته است (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۲/ ۵۶۹).

استاد معرفت نیز در باره تفسیر الجواهر چنین داوری کرده است: «وی در این تفسیر به تفصیل در مورد انواع و اشکال گیاهان و حیوانات و مناظر طبیعی و تجربیات علمی سخن می گوید تا مساله را برای خواننده روشن کند و اما حقیقت را در برابر وی مجسم کند، اما در طرح این مباحث افراط نموده و از حد اعتدال تجاوز کرده است» (معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ۲ / ۴۴۷؛ تفسیر و مفسران، ۲ / ۴۷۸).

یکی دیگر از صاحب نظران معاصر در تحلیل تفسیر طنطاوی چنین آورده است:

«طنطاوی در این تفسیر، تصاویر فراوانی از افلاک، سیارات، خورشید، ماه، آب‌ها، درختان، حشرات، ماهی‌ها، گیاهان، اجزای بدن انسان، جدول‌های ریاضی، شیمی، فیزیک، نقشه‌های جغرافیایی را منعکس ساخته است. و بیش از آن‌که به تفسیر و تبیین آیات بپردازد، به این مسایل یعنی تصاویر،

جدول‌ها و... چنان می‌پردازد که آنها از خود آیات استفاده نمی‌شوند» (اتجاهات التفسیر، ج ۲، ص ۶۵۰).

سخن پایانی

در برابر نهضت الحاد و موجی که با ادعای تناقض علم و دین ایجاد شد، بسیاری از دین‌پژوهان و بویژه قرآن‌پژوهان جبهه‌ای جدید در عصر تفسیر و مطالعات قرآن مبنی بر هم‌آوایی آموزه‌های دینی با دستاوردهای علمی گشودند. این جبهه در میان اندیشوران مسلمان در حوزه قرآن و سنت با گستردگی هر چه تمام دنبال شد. گشوده شدن وجهی دیگر در اعجاز قرآن با عنوان «اعجاز علمی» و تألیف کتابهای فراوان در این زمینه و پیدایش گرایش تفسیر علمی در میان تفاسیر از نتایج همین رخداد است.

شاه بیت تمام کسانی که در این عرصه گام برداشته و قلم زده‌اند این است که نه تنها میان دین و علم تناقض و تعارض نیست، بلکه دین بویژه اسلام در روزگاری که از علم و دستاوردهای علمی خبری نبود، در زمینه علم پیشگام بود و آموزه‌ها و رهنمون‌هایی ارائه کرده که قرن‌ها بعد با تحقیقات بشری به اثبات رسیده است.

از آنجا که با شکل‌گیری انقلاب صنعتی در غرب و رشد سریع تکنولوژی و عقب‌افتادگی مسلمانان در عرصه علم و تکنولوژی، زمینه سلطه جهان غرب بر جهان اسلام آمد و پدیده نامبارک «استعمار» و در نتیجه چپاول سرمایه‌های مسلمانان رخ نمود، شماری از اندیش‌وران مسلمانان با استخراج آموزه‌های علمی در کتاب و سنت، در کنار تشویق به فراگیری علم، به نهضت «اصلاح‌دینی» و بیداری مسلمانان از خواب جهل و غفلت روی آوردند.

در هندوستان سرسیداحمد خان هندی؛ در مصر کواکبی، طنطاوی، رشیدرضا؛ در ایران مهدی بازرگان، شریعتی، سبحانی، طالقانی، حسین نوری، مکارم شیرازی، مهدی گلشنی و ... از جمله کسانی‌اند که با هدف «اصلاح دینی» در این زمینه گام نهادند.

رویکرد علمی مسلمانان به قرآن در این دوره در عین برخورداری از امتیازات گوناگون و رعایت احتیاط در آثاری چون تفسیر نمونه، ضعفهایی دارد که علم زدگی، تاویل علمی بسیاری از آیات قرآن و انکار بخشی از معجزات پیامبران که به ظاهر با آموزه‌های علمی

ناسازگارند، شتاب‌زدگی در تطبیق آیات قرآن با دستاوردهای گاه غیرقطعی علم، از جمله آنهاست.

البته در دهه‌های اخیر که دین و معنویت تا حدودی قابل توجه جایگاه پیشین خود را بازیافت، بسیاری از اندیش‌وران مسلمان لازم دیدند به دور از پیشداوری منفی یا مثبت درباره آموزه‌های علمی دین، بار دیگر متون و گزاره‌های دینی خود در عرصه علم را از سر پرسشگری واقع‌بینانه بازشناسند و این میراث را به جهانیان معرفی کنند.

بر این اساس تلاشهای علمی و تحقیقات در خور تحسین بویژه میان اندیش‌وران مسلمان در حال انجام است که می‌تواند تا حدود زیاد به دور از افراط و تفریط، بسیاری از آموزه‌های علمی قرآن و سنت را به دست دهد. از جمله این آثار می‌توان از کتاب التفسیر العلمی فی المیزان، دکتر عمر ابوحجر (مصری) و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمد علی رضائی اصفهانی و نیز آثاری که در زمینه علوم انسانی مثل مدیریت اسلامی، اقتصاد اسلامی، قرآن و سیاست و پدید آمده است، یاد کرد.

۱. ابن منظور ، محمد بن مكرم ، لسان العرب ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا ، سوم .
۲. حداد عادل ، غلامعلی ، دانشنامه جهان اسلام ، بنیاد دایرة المعارف اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۵ .
۳. ذهبی ، محمد حسین ، التفسیر و المفسرون ، داراحیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .
۴. زرشناس ، شهریار ، نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران ، کتب صبح ، تهران ، ۱۳۸۳ .
۵. زرقانی ، عبدالعظیم ، ماهل العرفان ، دارالکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۹۸۸ م .
۶. سیوطی ، جلال الدین ، الاتقان فی علوم القرآن ، انتشارات زاهدی ، قم ، ۱۴۱۱ .
۷. شاطبی ، ابواسحق ، الموافقات فی اصول الشریعه ، دارالکتب العربی ، بیروت ، ۱۴۲۳ .
۸. طباطبائی ، سید محمد حسین ، المیزان فی تفسیر القرآن ، انتشارات جامعه مدرسین ، قم ، بی تا .
۹. طنطاوی ، طنطاوی بن جوهر ، الجواهر فی تفسیر القرآن ، مصطفی البابی الحلبی ، مصر ، ۱۳۵۰ ق .
۱۰. عنایت ، حمید ، سیری در اندیشه سیاسی عرب ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۸۵ ، ششم .
۱۱. غزالی ، ابوحامد محمد بن محمد ، احیاء علوم الدین ، دارالوعی ، حلب ، ۱۴۱۹ .
۱۲. جواهر القرآن ، سنگی ، بی جا ، بی تا .
۱۳. فاخوری ، حنا ؛ جر ، خلیل ، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی ، انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، ۱۳۸۱ ، ششم .
۱۴. فیض کاشانی ، محمد بن حسن ، تفسیر الصافی ، بیروت ، بی تا .
۱۵. محمد صالح ، عبد القادر ، التفسیر و المفسرون فی العصر

- الحديث، دار المعرفه، بيروت، ۱۴۲۴ ق .
۱۶. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه التشیب، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۴۱۸.
۱۷.، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۲
۱۸.، تفسیر و مفسران، ترجمه علی خیاط، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم، ۱۳۷۹.
۱۹. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، پیام قرآن، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۷۳.
۲۰. نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، دوم.
۲۱. نصر حامد، ابوزید، مفهوم النص، ترجمه مرتضی کریمی نیا، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰
۲۲. نوری، حسین بن محمد تقی، خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۷.
۲۳. کاظمی، عباس، جامعه شناسی روشنفکری دینی در ایران، طرح نو، تهران، ۱۳۸۳.